



يادگيري

كودكان از طريق بازي

يادگيري كودكان مهم است .
معدلك تا آنجائي كه
نوجوانان مورد نظر باشند بايد
گفت كه اين بازي است كه
داراي قدرت انگيزه‌اي در
يادگيري عقلاني كودكان است
وتاثير آن نيز در تمام مراحل
پيشرفت آنها آشكار است .

بدبهي است كه هر قدر
يك بچه با هوش باشد قدرت
يادگيري بيشترى در حين بازي
كردن دارد ونيز باساني قادر
به ايجاد رابطه در بين
موضوعات وعقايد مختلف ميباشد
كودكان با ميل و رغبت حاضر
به تكرر وتمرين آن چيزي

نتيجه يادگيري كودك نيز داراي
مرحله پيچيده‌اي ميشود ودر
اينجا شايد فقط لازم باشد كه
به دو نوع ثنوري مربوط باين
امر اشاره بشود .

عده‌اي از دانشمندان
معتقدند كه يادگيري مطالب
جديد باعث شكل دادن به
تجاربى كه در مغز اثراتى
گذاشته‌اند - ميشود . همان
تجارب ويا تجارب مشابه آن
باعث بياد آوردن چيزهائى
ميشوند كه قبلا اتفاق افتاده‌اند .
دسته ديگر معتقدند كه شركت
در اجتماعات بطور متناوب و
داشتن فعاليت در آنها در امر

بچه‌ها چه وقت و چگونه
چيز ياد ميگيرند ؟ مطمئناً
آنها بايستي به سنى رسيده
باشند كه توانائى فراگرفتن
كار بخصوصى را كه از آنها
توقع ميروود داشته باشند اگر ما
سعى كنيم قبل از آمادگي طفل
براي يادگيري ، چيزي باو ياد
بدهيم مسلماً نتيجه خوبى
نخواهيم گرفت ولي اگر منتظر
بمانيم كه طفل آمادگي پيدا
كند نتيجه همان كار را در
زمان كوتاه‌ترى وينحو بهترى
مي‌توانيم بدست آوريم . از
آنجا كه مطالب قابل كشف و
يادگيري فراوان هستند در

هستند که میخواهند بعنوان شیوه تازه‌ای در بازیهایشان عمل بکنند آنها همچنین حاضر به تکرار تجربه‌ای هستند که قانع کننده‌تر و قابل قبول‌تر است نه تجربه‌ای که باعث شکست و ناامیدی شده است .

این عقیده که کودکان در قبال تشویق‌ها و دادن جوایزی از قبیل ستاره و مدال و شیرینی قادر به یادگیری هستند ، از نظر عده‌ای کاری بجا و مفید تلقی میشود ولی تشویق کودکان بوسیله آزاد گذاشتن‌شان در انتخاب بازی مورد نظر خویش کاملاً سهل و بی موضوع است .

احساسات عامل بسیار مهمی در یادگیری و در بازی کردن بچه‌ها میباشد . کودکی که به مدرسه میرود ممکن است از درس بخصوصی نفرت داشته باشد و این بیشتر موقعی است که معلم آن درس آدمی بسیار سخت‌گیر و ناسه‌ربان باشد و بسیار ناراحت کننده است اگر بگوئیم که تعدادی از بچه‌ها بخاطر همین موضوع عقب ماندگی و در کلاسها رنوزه و یا تجدیدی می‌شوند .

واضح است که جوانان احتیاج به پناهگاهی مطمئن و توجه و علاقه بزرگترها دارند و میخواهند بزرگترها وجود

آنها را درک کنند .

بازی‌گاهی موجب رشد عقلی بچه‌ها می‌شود گزل نمودارهای جالبی را که نشان دهنده طبقات مختلف بازیهای است که موجب پیشرفت کودکان میشوند ارائه میدهد ، و چیزی که توجه ما را در بازی بچه‌ها جلب میکند این است که این بازی تا چه میزان اساس یادگیری آینده آنها را پی‌ریزی میکند و نیز تا چه اندازه باعث توانائی بچه‌ها در ایجاد رابطه و گفتگو با دیگران میشود .

یکی از اولین چیزهایی - که کودک احتیاج به کشف و فهمیدن آنها دارد و بازیها این کمک را بآنها می‌کنند دنیای اطراف خودش میباشد . بچه‌ها در حین بازی کردن یاد می‌گیرند که یک واگن و یا سه‌چرخه را از روی جاده و یا از میان دوستانشان عبور بدهند آنها یکدیگر را هل میدهند و روی زمین میکشند ، سینه‌مال می‌خزند و سعلق می‌زنند . لباس عروسک میدوزند و یا برای ساختن کشتی و یا خانه کوچکی برای بازی از چوب و میز و صندلی استفاده میکنند .

بچه‌ها با در نظر گرفتن قطعات آجر و چوب باندازه ، وزن و شکل‌های مختلف رفتار و

عکس‌العمل‌های مختلفی نشان میدهند . بعضی اوقات آنها اساسی و رنگهای این قطعات مختلف را که مورد استفاده قرار میدهند نیز یاد می‌گیرند . بچه‌ها در حین بازی قوه‌جاذبه ، سرعت ، حرکت و جنبش‌های آنی و اینکه چگونه یک‌کاری در سربالائی تپه بالا می‌رود را تجربه کرده و چیزهای تازه یاد می‌گیرند .

بچه‌ها بهنگام تجربه در موارد بخصوصی مانند شنیدن صدا ، احساس گرما ، نور و قوه مغناطیسی کنجکاوی‌شان تحریک میشود و در این هنگام بزرگترها نه تنها بایستی بسئالاتشان جواب بدهند بلکه در صورت لزوم برای فهم بیشتر بچه‌ها توضیح و اطلاعات بیشتری نیز در اختیار آنها قرار دهند .

هر نوع حادثه‌ای ولو عادی باشد باعث ایجاد تجربه و بینش جدیدی در بچه‌ها میشود . شاید بزرگترها از بچه‌ها بخواهند که مثلاً دو صندلی را یکدیگر وصل کنند برای ۶ عروسک مهمانی چای ترتیب بدهند و یا چهارچرخ یکت ارابه را که در حال ساختنش هستند ، بان وصل کنند .

در بعضی موارد اکثر بچه‌ها شدیداً به آسمان و بخصوص ماه علاقه پیدا میکنند و حتی در اثر دیدن فیلمهای تلویزیونی راجع به سفاین و سردان فضایی سئوالات بیشماری میکنند .

این علاقه باعث شده است که آنها انواع بازیهای تخیلی و فرضی را ابداع کنند . بچه‌ها چون دارای آن تجربه و علاقه کافی نیستند که حقایق را درک کنند ، از بازیهای نمایشی خویش لذت میبرند و یأسانی بوسیله سئوالات خود از دنیای واقعیات دور میشوند و میخواهند که حقایق را در دنیای فانتزی و خیالی خویش که در آن برای مشکلاتشان راه‌حل‌هایی پیدا میکنند ، جستجو کنند در نتیجه کارهای غیر ممکن ، ممکن میشوند . دنیای ما که محل زندگی و رشد و نمو اشیاء است دارای منبع ثابتی از عجایب و شگفتی‌ها است . بچه‌ها با شوق و میل دسته‌های گلها را جمع میکنند ، سنگها را زیرورو میکنند که ببینند دارای چه چیزهایی هستند ، برگ ، سنگ‌ریزه - و یا هر چیز دیگر را که در طی یک‌گردش بتوانند بخانه بیاورند ، جمع میکنند . دانه و بیازگل میکازند ، گلها را مرتب میکنند ، باغچه‌های



مطالعات علمی
 کتاب جامع علوم

هوا که خود نیز سوژه جالبی برای حرف زدن بزرگترها است، مطالب قابل توجهه مخصوص بخود دارد و صحبت کردن در مورد برف نیز موضوع

کوچک درست میکنند و از کرمها و خزندگان موجود در خاک اگر که ما بزرگترها آنها را نترسانده باشیم ، هراسی ندارند .

خوش آیندی است. پسرها و دخترهای کوچک اغلب می- خواهند که مشت های پرکرده از برف خویش را باطاق بیاورند فقط برای اینکه ببینند که برف آب میشود و جویبار کوچکی از آب باقی میگردد. کودکان قطرات شبنم را بر روی شیشه می بینند، به صدای طوفان و رعد و برق گوش میکنند، رنگین کمان سحرانگیز را تماشا می- کنند و در مورد این همه چیزهای شگفت آور و اسرار آیز دچار تعجب میشوند .

دیدن حیوانات را در اساکن مختلف مانند هنگام گردشهای کوتاه و گردش در مزارع و یادداشتن حیوانات خانگی در منزل و مدرسه، باعث میشود که خوشحالی زاید الوصفی بآنها دست بدهد .

بچه های شهری اغلب وجود شیر را فقط در شیشه و ظرف دیگر قبول دارند و اصلاً موضوع گاو برایشان مطرح نیست. اگر که بچه ها در - آپارتمان که محل مناسبی برای نگهداری حیوانات نیست، زندگی میکنند از آنجائی که لذت نگاه کردن بیک موجود کوچک و زنده را درک میکنند، در صورت داشتن حیوان خانگی از آن مانند شیئی قیمتی سواظیت می کنند ولو اینکه وجود ایسن

حیوان در آن خانه برای کسی مهم نباشد. حیوانات گاهسی اوقات میتوانند در - مورد کودک کانیکه در دوست یابی باشکال برمی خورند، مفید واقع شوند و فاصله بین این کودکان و دیگران را از بین میبرند .

دیدن حیوانات در منزل و یا در مزارع با بچه هایشان میتوانند با اولین سئوالات کودکان در مورد سکس جواب بدهد . مطمئناً در حیئی که بچه ها مشغول بازیهای ابداعی و - تخیلی خویش در مورد سکس هستند و برایشان ارزش زیادی هم دارد، خیلی چیزها را نمی فهمند و یا مایل نیستند که بدانند و از خیلی مسایل وحشت دارند معذالک می خواهند بدانند که بچه از کجا سیاید و یا اینکه پدر و مادرها در تحت خواب چکار میکنند .

موضوع سکس و محرومیت های جنسی چون تا مقدار زیادی مربوط به احساسات می شوند، اشاره کردن بآنها - همیشه با نوعی احساس گناه آسپخته است و صحبت کردن و توضیح دادن اینگونه مسایل برای پدر و مادرها آسان نیست.

مطمئناً بچه ها از بازیهای خیالی خویش راجع به تولد لذت میبرند ولی به اطلاعات

کافی در این مورد نیز احتیاج دارند و توضیح این اسر برای آنها از کوچکی تا زمانیکه بتدریج بزرگ میشوند آسانتر است آنها در کوچکی فقط بچوایها و اطلاعات مختصر قناعت میکنند. شاید عروسکهای جدیدی که امروز بیازار آمده اند و دارای اعضای جنسی مردانه هستند باعث تحریک کنجکاوی بچه هایی بشود که اصلاً باین مسایل توجهی نشان نمیدهند، اگر که دیدن این عروسکها باعث ناراحتی عده ای بشود، نمیتوان گفت که این اضطراب از اضطراب خودشان در مورد مسایل جنسی ناشی میشود؟ بچه ها ممکن است بخوبی اینگونه عروسکها را جانشین سئوالات خویشس بکنند .

در حقیقت کودک بوسیله بازی میتواند رابطه بین خود و سایر بچه ها و بزرگترها را گسترش بدهد و نیز بازی در شناخت و بسط شخصیت کودک بوی کمک میکند .

قبول کردن این مساله که کودک میتواند بوسیله بازی کردن روش کاری را بیساده بگیرد، شاید تا اندازه ای خلاف گوئی باشد ولی یکی از سواردی که حقیقتاً اتفاق میافتد .

شرط اساسی آموزش خواندن

برای بچه‌ها تنها تمرکز و فشاری و یادگیری در مواقعی که بدان احتیاج دارند نیست بلکه بچه‌ها بایستی در حین بازی کردن با اشیایی از قبیل آجرها جدول و چیزهای بدرده‌خور اشکال مختلف را یاد گرفته باشند و انواع صداها را تشخیص داده و به مثل‌های مختلف مربوط کنند و مهارت لازم را از ایجاد رابطه بین سوزیک و بازی‌های مختلف خویش را بدست آورند آنها بایستی قادر به بیسسان احساسات خویش بوسیله صحبت کردن و نیز قادر به ایجاد رابطه با دوستانشان و بزرگترها باشند و در غیر این صورت اگرکه فقط لغات را طوطی‌وار یاد بگیرند و معنی آن چیزی را که میخوانند درک نکنند، کاری بی‌ارزش خواهد بود و مفهومی نخواهد داشت . قبل از اینکه بچه‌ها نوشتن را یاد بگیرند، نقاشیهای زیاد کرده و خطوط مختلفی میکشند که شرط لازمی در یادگیری آنها بکار میرود .

اگر کودک کان را در حین بازی کردن تحت نظر بگیریم متوجه میشویم که آنها در ضمن بازی به مشکلات خویش فائق آمده و تصمیماتی میگیرند بچه‌ها اشکالاتشان را یسا

بطور عملی و یا بصورت بحث‌هایی با سایر بچه‌ها و بزرگترها برطرف میکنند و یا گاهی اوقات برای روشن شدن بطور سئوالی و با صدای بلند با خودشان و یا کسیکه در نزدیکی‌شان است حرف میزنند و در بعضی موارد از کتابها و عکسها کمک میکنند .

علت قبول نشدن استدلالی از طرف بچه‌ها را می‌توان کافی نبودن اطلاعات و تجارب ایشان دانست .

اطلاعاتی که به کودک داده میشود بایستی طوری بیان گردد که قابل درک برای ذهن بچه‌ها باشد . جواب سئوالات آنها را بایستی با اطلاعات لازم همراه نمود، بعضی اوقات میتوان جواب سئوالات را بخود بچه‌ها واگذار کرد و دید که آیا از عهده پاسخ برمیآیند یا نه .

اساسی اشیاء و موضوعات مختلف را باید بطور صحیح ادا و بیان کرد بچه‌ها را بایستی تشویق به مشاهده کرد تا اینکه قادر به یادگیری از مشاهدات خویش باشند و نیز فرصتهای کافی بآنها داده شود تا در آنچه که در اطرافشان میگردد، شرکت کنند .

با بچه‌ها بایستی جمله جمله صحبت کرد و تنها لغات

کافی نیستند . اگرکه بچه‌ای لغتی را بطور اشتباه ادا کرد، میتوان بدون ناراحت کردن وی اشتباهش را تذکر داد و تصحیح کرد .

بردن بچه‌ها به اماکن جالبی از قبیل بازار، اداره پست ایستگاه راه‌آهن و غیره، سوزده‌های فراوانی برای صحبت کردن و بازی بآنها میدهد . کتابها و تصاویر مختلف بایستی باندازه کافی در دسترس بچه‌ها قرار داد که آنها را نگاه بکنند و لذت ببرند .

وقتی که بچه‌ها موضوع تازه‌ای برای دستاویز قراردادن برای بازی ندارند، طرح پیشنهاد بازیهای از طرف بزرگترها که جالبتر و بهتر باشند نیز جالب است .

بایستی علاقه و کنجکاوی بچه‌ها را در مورد اینکه اشیاء چطور کار میکنند و بکار گرفته میشوند، تحریک کرد . وقتی که در مورد بخصوصی کمک موجب میشود که کودک در اسری پیشرفت نماید بایستی از آن دریغ کرد .

اگرکه بچه‌ای علاقه به خواستن و یا احتیاج داشتن به هنر بخصوصی دارد، بایستی با وی یاد و یا توضیح داده شود . وقتی بچه‌ای اجازه انجام

کار بخصوصی را که مایل است انجام بدهد، ندارد بایستی دلایل قابل فهم و قانع کننده‌ای برای وی آورده شود .

سئوالات کودک کان را که با «چرا» شروع میشوند حتی اگر بآنها مربوط نمیشود، بایستی بدون جواب گذاشت .

جوایز، تشویق، تشکر و قدردانی و محبت باندازه کافی و به نسبت زیاد بایستی در مورد بچه‌ها بکار رود . بایستی بچه‌ها را تشویق بداشتن رفتار سهربان و حس تعاون نمود و آنها را از صفاتی از قبیل کینه‌ورزی تهدید کردن و رفتار غیر اجتماعی بدور نگاه داشت .

قوانین بازی را بآنها آموخت و مضار کارهای ناصواب از قبیل پرتاب سنگریزه، هل دادن از بلندی و غیره بآنها توضیح داده بشود .

اگر که بچه‌ای دارای - نقص جسمانی و یا روحی است ناراحتی وی را بایستی بزبان ساده‌ای برای سایر بچه‌ها توضیح داد تا اینکه نسبت باو سهربان تر باشند و او را تحت حمایت خود بگیرند .

بایستی کودک خجالتی و ناشی را تشویق ببدست آوردن مهارت‌های لازم و اجتماعی بودن کرد و وی را در همرنگ شدن با دیگران و دوری از گوشه‌گیری، تشویق و یاری کرد



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

